خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال سوم، شماره ۱۱۸ | هفته دوم بهمن ۹۶ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

اختصاصی خط حزب‌الله

«عَن مَنصورِ بنِ بَزرَج، قال: قُلتُ لِأَبی عَبدِاللهِ الصّادِق (علیه‌السلام): ما أَکثَرَ ما أَسمَعُ مِنكَ یا سَیِّدی ذِکرَ سَلمانَ الفارسی»

الگویی برای نیروهای مؤمن و انقلابی

سلمانِ محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

«أَ تَدری ما کَثرَةُ ذِکری لَه؟»

چرا اهل بیت او را دوست داشتند؟

«قُلتُ: لا. قال: ثَلاثِ خِصالٍ» «أَحَدُها: ایثارُه هَوی أَمیرِالمُؤمِنین (علیه‌السلام) عَلی هَوی نَفسِه»

«وَالثّانِیَة: حُبُّهُ لِلفُقَراءِ وَاختیارُهُ ایّاهُم عَلی أَهلِ الثَّروَةِ وَالعَدَد» «وَالثّالِثَة: حُبُّهُ لِلعِلمِ وَالعُلَماء»

رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج روز دوشنبه این هفته، تاریخ ۹۶/۱۱/۲، به ذکر حدیثی از امام صادق علیه‌السلام، درباره‌ی خصوصیات جناب سلمان فارسی پرداختند. نظر به اهمیت این حدیث که می‌تواند الگویی اخلاقی و رفتاری برای نیروهای مؤمن و انقلابی باشد، نشریه‌ی خط حزب‌الله آن را به همراه ترجمه و تفسیر رهبر انقلاب برای اولین بار منتشر می‌کند.

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. الحمدُ للّه ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة اللّه علی اعدائهم اجمعین. «عَن مَنصورِ بنِ بَزرَج، قالَ: قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ الصّادِق (علیه‌السلام): ما أَکثَرَ ما أَسمَعُ مِنكَ یا سَیِّدی ذِکرَ سَلمانَ الفارسی»، راوی می‌گوید چقدر من زیاد می‌شنوم از شما که نام سلمان را می‌برید و از او یاد می‌کنید. معلوم می‌شود که حضرت [امام صادق (علیه‌السلام)] مکرّر در مکرّر راجع به سلمان مطالبی را می‌فرموده‌اند. این شخص تعجّب می‌کند که چیست که اینقدر موجب شده شما به او توجّه دارید، یا شاید مثلاً به او محبّت دارید و از این قبیل. «فَقالَ: لاتَقُل «الفارسی» وَ لکِن قُل سَلمانَ المُحَمَّدی»، یعنی نسبتِ او، فراتر از نسبتِ قومی و میهنی است؛ نسبت دینی است. این البتّه به هیچ‌وجه، طعن به قوم فارس نیست؛ پیغمبر اکرم و ائمّه (علیهم‌السلام) از فارس - مردم ایران - تمجید کردند، تعریف کردند؛ در این که تردیدی نیست، می‌خواهد بفرماید که این شخص، فراتر و بالاتر از این است که به نسبتِ قومی شناخته بشود؛ نسبتِ او، نسبتِ عقیده و دین و پیامبر است؛ او کأنّه -مثلاً- فرزند پیغمبر است.

«أَ تَدری ما کَثرَةُ ذِکری لَه»، [حضرت فرمود] می‌دانی چرا؟ «قُلتُ: لا. قالَ: ثَلاثِ خِصالٍ»، سه خصوصیّت در سلمان بود که این موجب می‌شود که من او را زیاد یاد کنم و نام او را ببرم -لابد مثلاً- اجلال کنم او را، تعظیم کنم او را یا محبّت به او بورزم. «أَحَدُها: ایثارُه هَوی أَمیرِالمُؤمِنین (علیه‌السلام) عَلی هَوی نَفسِه»، چیست آن سه خصلت؟ یکی اش این است: میل امیرالمؤمنین را بر میلِ خود غلبه می‌داد. از این معلوم می‌شود که بیش از یک بار چنین چیزی اتّفاق افتاده که حضرت چیزی را اراده کردند، سلمان چیز دیگری در دل خود و در ذهن خود می‌خواسته است ولیکن میل و هوای امیرالمؤمنین را -هَوی- یعنی میل- بر میل خود ترجیح داده است. ببینید مقام امیرالمؤمنین را؛ حالا البتّه اینها که گوشه‌وکنارهای آن عظمت و آن جلالت الهی و ملکوتی و جبروتی است ولی خب، اینها همه، هرکدام یک نشانه است.

«وَالثّانِیَة: حُبُّهُ لِلفُقَراءِ وَ اختیارُه ایّاهُم عَلی أَهلِ الثَّروَةِ وَالعَدَد»، [دوّم،] فقرا را دوست می‌داشت. بعضی‌ها از طبقه‌ی مستضعف جامعه اصلاً بدشان می‌آید؛ حاضر نیستند طرف آنها بروند، نگاه بکنند به آنها! خودشان را برتر از آنها می‌دانند؛ او نه، فقرا را دوست می‌داشت، آنها را بر اهل ثروت ترجیح می‌داد. اگر فرض بفرمایید در یک جایی امر دایر بود بین یک سرمایه‌دارِ محترمِ خیلی پول‌داری یا یک فقیری، یا باید مثلاً خانه‌ی این برود یا خانه‌ی آن برود، یا باید به این سلام کند یا باید به آن سلام کند، این فقیر را بر آن غنی ترجیح می‌داد؛ اینها درس است دیگر. ما طلبه‌ها، ما جامعه‌ی روحانیّت و علمی، یکی از خصوصیّات‌مان از اوّل همین بوده است که با ضعفا و طبقه‌ی ضِعاف نزدیک بوده‌ایم؛ این خیلی امتیاز بزرگی است. بله، گاهی پول‌دارها ممکن بود سراغ یک عالمی هم بیایند، او هم یک احترامی بکند امّا معاشرت روحانیّون ما، علمای ما، مراجع ما، ائمّه‌ی جماعت ما -علمائی که بودند با مردم- عمدتاً با مردم فقیر و زیر متوسّط بوده است؛ این خیلی چیز مهمّی است؛ این را باید نگه بداریم. حالا که علما و روحانیّت، به یک موقعیّتی در عالم سیاست دست پیدا کرده‌اند، نباید آنچه را تاریخچه‌ی ما و سنّت کهن ما است از دست بدهیم. اینکه در یک شهری یک عالمی مثلاً باشد، اوّلی [با مردم معروف باشد که ایشان با تجّار و با پول‌دارها و با باغ‌دارها و مانند اینها [اُنس دارد] - مهمانی خانه‌ی این؛ مهمانی در باغ آن - اما با فقرا نه، اُنسی ندارد؛ این چیز خوبی نیست. این هم یک خصوصیّت.

«وَالثّالِثَة: حُبُّهُ لِلعِلمِ وَالعُلَماء»، یکی هم این [سوّمی] از جناب سلمان علم را دوست می‌داشت، علما را دوست می‌داشت. این سه خصوصیّت در این بزرگوار، موجب می‌شود که امام صادق با آن جلالت و عظمت، نسبت به او گرایش پیدا کند، محبّت - یا تجلیل و تعظیم - نسبت به او بکند. «إِنَّ سَلمانَ کانَ عَبداً صالِحاً حَنیفاً مُسلِماً وَ ما کانَ مِنَ المُشرِکین»، اَمی فرمایند: سلمان بنده‌ی صالح حنیف مسلمان است و از مشرکین نیست.[1] ●

این شماره تقدیم می‌شود به
روح بلند شهدای نهضت انقلاب اسلامی

شهادت، یک معامله‌ی دوجانبه‌ی بی‌دغدغه

شهادت یک مفهوم عجیبی است، یک مقوله‌ی عجیبی است، یک مقوله‌ی عمیقی است. شهادت یعنی معامله‌ی با خدا، یک معامله‌ی دوجانبه‌ی بی‌دغدغه‌ی با خدای متعال؛ جنس هم معلوم، بهای جنس هم معلوم. جنس عبارت است از جان. جان یعنی سرمایه‌ی اصلی هر انسانی در این دنیای مادّی؛ این جنس است؛ این را شما تقدیم می‌کنید؛ در مقابل، چه می‌گیرید؟ در مقابل، سعادت ابدی و حیات جاودان در برترین نعمتهای الهی را می‌گیرید. ● ۹۶/۳/۲۸

تاریخ شهادت:
از آغاز نهضت انقلاب اسلامی تا به امروز

مزار: جای جای میهن اسلامی

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای) | ارتباط با خط حزب‌ا... | پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ | دورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۷۷۳۲۸ | رایانامه: Khat@khamenei.ir | کانال تلگرام: Telegram.me/KhatteHezbollah

کلام امام

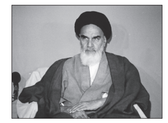

خدا نیاورد روزی را که به محرومین پشت کنیم

مسئولین محترم کشور ایران علی رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه‌ی آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه‌ی ما رخت ببرند و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمومنین و ائمه‌معصومین - علیهم‌السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد. ●

امام خمینی (ره) ۶ مرداد ۱۳۶۶

بدتراز قاجار

ماجرای راه آهنی که رضاخان به آن می‌نازید

اساس سیاست آن رژیم، بر وابستگی بود. چند نفر دولتمرد نسبتاً شجاع یک روز در زمان رضاخان پیدا شدند و یک قرارداد نفتی را نوشتند که منافع ملت ایران، تا حدودی در آن ملاحظه شده بود. به خاطر انگلیسی‌ها، رضاخان با چکمه‌هایش وارد اتاق هیات دولت شد و نوشته‌های آنها - پرونده‌ی نفت - را گرفت، در آتش بخاری انداخت و جلو چشم آنها سوزاند! این، چیزی است که خود آنها نوشته‌اند. امثال تقی‌زاده و دیگران این ماجرا را نوشته‌اند. سیاست، سیاست وابسته بود. راه‌آهن هم که می‌کشیدند، بیش از آن که برای ایران و تجارت ایران باشد، به نفع اتصال دو جبهه‌ی متفقین بود که آن روز با بستی علیه آلمان می‌جنگیدند. راه‌آهن سراسری این است! (راه‌آهن شمال و جنوب برای این بود که شوروی آن روز را به جنوب، در خلیج فارس که محل استقرار انگلیسی‌ها بود وصل کنند تا بتوانند سلاح منتقل نمایند، و جبهه‌های جنگ متفقین علیه متحدین - آلمان و همکارانش - همواره قادر به دفاع باشد.) راه‌آهن هم برای این کشیده می‌شد. طرفداران رژیم منحوس و تفاله‌های رژیم گذشته، بعد از گذشت پنجاه سال، هنوز که هنوز است، صحبت راه‌آهن شمال و جنوب را می‌کنند؛ راه‌آهنی که براساس طرحی خائنانه و بی‌توجهی به استقلال این ملت به‌وجود آمد و در آن، آبرو و شأن این ملت رعایت نشد. ● ۷۶/۵/۱۲

مطالبه رهبری

هنوز نتوانسته‌ایم عظمت دهه فجر را بیان کنیم

مبادا کسی تصور کند که امر دهه‌ی فجر فقط یک امر صوری و ظاهری است! این‌طور نیست. دهه‌ی فجر برای ملت ایران، بلکه برای ملت‌های مسلمان و در همه‌جا - و شاید برای دنیا یک معنا - یک مبدأ عظیم تاریخی است. این حادثه، حادثه‌ی بزرگ و ذوابعادی است. واقعاً چه کسی تا به حال توانسته آن قضیه‌ای را که در دهه‌ی فجر اتفاق افتاد، از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، درست تشریح کند؟ کدام‌مان این کار را کرده‌ایم؟ دشمن قلم در دست گرفته و خواسته که این قضیه را با تحریف و دروغ و آرایش‌های بی‌معنی، منعکس کند. دشمن روی آن کار کرده؛ اما دوستان، عظمت آن را کجا توانسته‌اند بیان کنند؟! واقعاً حادثه، خیلی عظیم است؛ بنابراین، معرفی این حادثه، به هر شکل که بشود، یک حسنه و بلکه یک فریضه است. یکی از وسایل معرفی، این است که یاد این ایام در ذهن‌ها زنده بماند. وقتی که این ایام می‌رسد، باید این فراز را بفهمند و همه به یاد بیاورند ● ۷۱/۱۱/۵

روایت تاریخی

به‌مناسبت ۶ بهمن، سالروز حماسه‌ی مردم آمل در دفع حمله‌ی منافقین

اگر ملت نداند چه خطراتی بر سر راه اوست، ضربه می‌خورد

«شهر هزار سنگر»؛ این تعبیر کمی است؟ حرف کوچکی است؟ قضیه‌ی ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیتنامه‌ی تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند؛ یعنی فراموش نشود... «هزار سنگر» یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروه‌های اشرار و متجاوز سنگر درست کردند - حالا یا هزار تا، یا بیشتر یا کمتر - اما من یک تفسیر دیگری دارم: این سنگرها سنگرهای درون خیابان‌ها نیست، این سنگرِ دل‌هاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان بالنگیزه‌ی باشرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت می‌کند، ندانند سر راه او چه خطراتی است، چه کمین کرده‌هایی هستند، چه باید کرد در مقابل اینها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بی‌خیال باشد، ضربه خواهد خورد. همه‌ی ملت‌هائی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن‌ها بلند نشدند، مشکل‌شان از همین جا آغاز شد: ندانستند چی در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه‌ی با آن آماده نکردند. درس‌های گذشته این کمک را به ما می‌کند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، کمین‌ها را بشناسیم، کمین کرده‌ها را بشناسیم. ● ۸۸/۱۱/۶

گزارش هفته

نکاتی پیرامون دیدار اخیر رهبر انقلاب با مستندسازان جوان

باید وارد میدان شوید

در اواسط دهه‌ی چهل میلادی قرن بیستم، مستندی با عنوان "پیروزی اراده"، مردم جهان را تحت تأثیر قرار داد. مستندی که نشان می‌داد، آلمان‌ها که کمتر از دو دهه قبل، در جنگ جهانی اول کاملاً شکست خورده و صنایع زیربنایی خود را از دست داده بودند، به یک‌باره تصویری شگرف از ارتشی متحد، عظیم و با انضباط را در قالب مستندی ۱۱۴ دقیقه‌ای تولید و در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران به نمایش درآوردند. این فیلم و مستند دیگری با نام "المپیا"، رفته‌رفته آلمان‌ها را به‌عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی و برترین ژن انسانی در جهان معرفی کرد که نتیجه‌ی آن اقبال بخشی از افکار عمومی دنیا از سویی و از سویی دیگر، وحشت گروهی دیگر از قدرت آلمان‌ها و در نتیجه مهیا شدن شرایط برای آغاز یورش نظامی آلمان شد. و اینها همه یعنی قدرت سینمای مستند که می‌تواند در خدمت استعمار یا استقلال کشورها قرار بگیرد. برای همین در جمهوری اسلامی سینمای مستند باید ابزاری باشد در جهت اصلاح گری جامعه و در خدمت حل مشکلات مردم.

● **دیداری که برای اولین‌بار برگزار شد**

پنجشنبه‌ی هفته‌ی گذشته، ۲۱ دی ماه، جمعی از مستندسازان جوان انقلاب اسلامی برای اولین بار به دیدار رهبر انقلاب رفتند. جلسه‌ای که به گفت‌وشنود از احوال هنر و مستندسازی گذشت و حسن ختام آن بیاناتی بود که رهبر انقلاب به عنوان توصیه و سفارش به سینماگران و مستندسازان حاضر در جلسه بیان نمودند. نکاتی که یک روز پس از دیدار، بار دیگر رهبر انقلاب در پیامی به مستندسازان جوان، آن را یادآوری و متذکر شدند تا در اذهان و خاطرها باقی بماند.

● **چرا سینمای مستند؟**

مستند به عنوان یکی از فرآورده‌ها و شاخه‌های هنرهای تصویری، موظف به بیان و روایت صحنه‌ها و اتفاقات از دریچه‌ی دوربین به منظور اطلاع‌رسانی به مخاطب خاص یا عام و ثبت در تاریخ است. امری که از پیدایش و اختراع دوربین تصویربرداری و شکل‌گیری هنر هفتم، آغاز شد و با گذشت زمان و ارجاعات و استناداتی که آیندگان به فیلم‌های مستند گذشتگان داشتند اهمیت دو چندانی پیدا کرد. فیلم‌های مستند به دلیل ساختارهای فرمی و متفاوت خود با فیلم‌های سینمایی، به ویژه این نکته که در اکثر فیلم‌های مستند، بازیگر خود بخشی از واقعیت موجود در صحنه‌ی روایت (حداقل در ظاهر) است و بیننده احساس القای فریب و دروغ را از سوی سازندگان اثر نمی‌کند، به مخاطب خود احساس آزادی و اختیار در تصمیم‌گیری و پذیرش واقعیت را می‌دهند. امری که رهبر انقلاب در جلسه با مستند سازان نیز به آن اشاره نمودند که: «مستند سراست‌تر و روراست‌تر و متکی به واقعیّت و نشان‌دهنده‌ی آن است.» ۹۶/۱۰/۲۱

● **وقتی دشمن تاریخ را هدف می‌گیرد**

در چند سال اخیر، جریان‌ها و شبکه‌های ضدانقلاب با تمرکز بر تاریخ سلطنت پهلوی و دوران پیش از انقلاب اسلامی و با توجه به ضعف و کم‌کاری رسانه‌های انقلاب در بازنمایی این دوره برای نسل جوان، اقدام به ساخت و انتشار آثار مستند با محوریت حکومت و اشخاص پهلوی نمودند. آثاری که در آن با چشم‌پوشی و حذف فسادها، چپاول‌ها، خودباختگی و وابستگی به غرب، ظلم‌ها و کشتار این حکومت، تنها به القای دروغین پیشرفت کشور در دوران پهلوی پرداخته‌اند و سعی در ترمیم چهره‌ی پهلوی نمودند. «امروز این‌ها سعی می‌کنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را -رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند- بزک کنند، آرایش کنند.» ۹۳/۱۰/۱۷

● **باید وارد میدان شوید**

حال سؤال اینجاست که در مقابل این جریان چه باید کرد؟ راهکار رهبر انقلاب برای مقابله با این جریان خزنده‌ی فرهنگی، تشویق حضور فعال نیروی جوان و مؤمن انقلابی در عرصه‌ی فرهنگ و هنر، و تولید محصولات فرهنگی و بیان واقعیات و حقیقت‌های انقلاب اسلامی است. نیروی جوان و انقلابی که در هر عرصه‌ای وارد میدان شد، راهگشا و خط‌شکن بوده‌اند، بار دیگر وظیفه دارد در میدان هنر به دفاع از انقلاب و تاریخ کشور بپردازد. امری که رهبر انقلاب بار دیگر و در دیدار اخیر خود با مستندسازان، این وظیفه را اینگونه متذکر شدند: «اگر بتوانید این جهت‌گیری انقلابی و این صداقت انقلابی را حفظ کنید، خیلی می‌توانید خدمت بکنید؛ به کشور و به انقلاب و به مردم و به آینده و به تاریخ و به حقیقت؛ میتوانید خیلی خدمت بکنید.» ۹۶/۱۰/۲۱ خدمتی که البته رهبر انقلاب برای آن شروطی قائل شدند:

● **حفظ روحیه‌ی اسلامی و انقلابی**

ورود به فضای هنر به دلیل ویژگی‌های خاصی مانند شهرت و شناخته‌شدن، می‌تواند ابتلائاتی برای جوانان داشته باشد که در نهایت آن‌ها را از هدف نهایی جدا و دور کند، به همین دلیل رهبر توصیه کردند: «سعی کنید گرایش‌های هنری محض و چیزهایی که معمولاً برای هنرمند جالب است -شهرت و مانند آن- آن صفا و صمیمیّت هنر انقلابی را از شما نگیرد. هنر انقلابی هنر است و در عین‌حال در آن دروغ نیست، فریب نیست، فساد نیست، اغوا نیست؛ هنر اسلامی این است؛ این روحیه را حفظ کنید، این را نگه دارید، این خیلی باارزش است.» ۹۶/۱۰/۲۱

● **مستند ساز، اصلاح‌گر جامعه**

همان‌اندازه که یک مستندساز انقلابی موظف است تا حقایق تاریخی و واقعیت‌های انقلابی را بیان کند، همان‌اندازه نیز موظف است تا آرمان‌ها، ارزش‌ها و پیشرفت‌های انقلاب را یادآوری کند و "روح امید" را در مردم و جامعه زنده کند. و از سوی دیگر مشکلاتی را که در مسیر دستیابی به این ارزش‌ها است، با بیانی صحیح و به قصد اصلاح -و نه سیاه‌نمایی- به تصویر بکشد. نکته‌ای ظریف که تفاوت هنرمند انقلابی و اغیار را مشخص می‌کند. «دو جور می‌شود انتقاد کرد: یک انتقادی که وقت شنیدن، شنونده آن را فحش و دشنام تلقّی می‌کند؛ یک انتقادی که همان مطلب است امّا وقتی که شنونده آن را می‌شنود، آن را نصیحت تلقّی می‌کند؛ دو جور می‌شود حرف زد؛ سعی کنید آن نوع اوّل نباشد...» ۹۶/۱۰/۲۱ ●

اخبار هفته

○ حضور نماینده دفتر رهبر انقلاب در مراسم ختم جان‌باختگان کشتی سانچی

حجت‌الاسلام تقوی از طرف دفتر مقام معظم رهبری در مراسم ختم دو تن از جانباختگان کشتی سانچی در مسجد امام جعفرصادق (علیه‌السلام) میدان فلسطین تهران حضور یافتند. این مراسم ۲۸ دی ماه برگزار شد. در مراسم بزرگداشت جانباختگان سانچی در مدرسه‌ی عالی شهید مطهری در اول بهمن نیز حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری حضور داشتند. | خ صداوسیما |

○ رهبر انقلاب: سلام مرا به پرسنل ناجا برسانید.

سردار اشتری با اشاره به دیداری که روز یکشنبه، تعدادی از فرماندهان نیروی انتظامی با رهبر معظم انقلاب داشتند: مقام معظم رهبری پنج مرتبه از ناجا تشکر کردند و گفتند که عملکرد ناجا خوب بوده است، از ایشان پرسیدم که می‌توانم سلام شما را به پرسنل ناجا برسانم، ایشان گفتند هم شما سلام من را برسانید هم خسته نباشید بگویید و هم تشکر کنید. | ایسنا |

○ روایت حاج قاسم از علت اساسی در پیروزی‌های منطقه

سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران با اشاره به موضوع اقتدار نظام در ابعاد بیرونی و داخلی گفت: اقتدار نظام در بُعد بیرونی به بهترین وجه محقق شده است؛ امروز ما بسیاری از توطئه‌های دشمنان را به سبب رهبری حکیمانه رهبرمان شکست داده‌ایم و من باید تأکید کنم که دلیل حقیقی این پیروزی‌ها و آن چیزی که نقش محوری و اساسی در این پیروزی‌ها داشت بدون گفتارهای تشریفاتی، رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری بود. | میزان |

○ موج اعتراضات مردمی در هند در اعتراض به سفر نتانیاهو

سفر کاری تبلیغاتی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به هند با موجی از اعتراضات مردم این کشور روبه‌رو شده است. ده‌ها هزار نفر از مسلمانان هندطی چند روز گذشته با برپایی تظاهرات در شهرهای مختلف این کشور و آتش زدن پرچم اسرائیل و آدمک نتانیاهو، خشم خود را نسبت به سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به هند نشان داده‌اند. | ایرنا | ●

حزب‌ا... این است

خطرپذیری نقطه مقابل ترس است

خطرپذیری؛ نقطه‌ی مقابل آن، ترس است. ترس از چه؟ ترس از عدم موفقیت؛ وارد نشویم که مبادا موفق نشویم؛ حرکت نکنیم که مبادا نرسیم؛ اقدام نکنیم که مبادا مورد قبول قرار نگیرد؛ اقدام نکنیم که مبادا برای ما مشکلات ایجاد شود. اینها همه‌اش نقطه‌ی مقابل خطرپذیری است. یکی از خصوصیات خوب غربی‌ها - که ما خصوصیات بد و خوب، هر دو را در کنار هم می‌بینیم و انکار نمی‌کنیم - خطرپذیری است. غربی‌ها این خصوصیت مثبت را و به تبع آنها امریکایی‌ها - که فرهنگ اروپایی‌ها را اول بار گرفتند - خطرپذیرند. خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند. شما جوانها باید آماده باشید؛ ترس از اینکه شاید نشود، این خیلی چیز بدی است. گاهی اوقات تصورات انسان، یک آینده‌ای را برای انسان تصویر می‌کند که بکلی او را مأیوس می‌کند؛ این به نظر من، یکی از ایرادهاست. ۸۵/۶/۲۵

خانواده ایرانی

همسری صبور، با فداکاری‌های عظیم

این وضع زندگی حضرت زهرا (علیهاالسلام) است از لحاظ سادگی مراسم ازدواج و بعد هم زندگی آن بزرگوار، آن زندگی فقیرانه و زاهدانه، آن اتاق آن چنانی، آن فرشی که لابد همه‌ی شما شنیده‌اید. کار توی خانه، در مقابل تلاش‌های فراوان و صبر بر شوهری مثل حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که در تمام مدت زندگیشان، حضرت مشغول کار و فعالیت بودند. یعنی هر چه جنگ بود، علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) جلودار از همه بود. هر چه کار مهم بود اوّل از همه علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) جلودار بود. حدود ۱۰ سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجّه می‌کنید؟ در ظرف این ۱۰ سال شما ببینید که این شوهرِ جوان چقدر توانسته به زن و بچه‌اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی، صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آنچنان فرزندانی تربیت کردن و آن فداکاری‌های عظیمی که حضرت زهرا (علیهاالسلام) انجام دادند و شما هم مقداری از آنها را شنیده‌اید، همگی الگوست. حالا، دختران ما باید فاطمه زهرا (علیهاالسلام) را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا (علیهاالسلام) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را الگو قرار دهند. ● ۷۶/۹/۲۴

هیئت انقلابی

باید با سینه‌زنی معرفت‌افزایی کنید

وقتی که شما شعر می‌خوانید یادم می‌دهید تا مثلاً در نوحه‌خوانی سینه بزنند، چیزی بگویید که آن کس که سینه می‌زند، بر معرفتش بیفزاید، یک چیز جدیدی بفهمد. بله، می‌شود گریه گرفت و مثلاً فرض کنید که مصیبت‌خوانی کرد بدون بصیرت؛ آن هم یک مرحله‌ای است، بلاشک یک مرحله‌ای از فضیلت است، امّا آن فضیلت برتر، این است که ما بصیرتهایمان افزایش پیدا کند؛ نسبت به ائمّه، نسبت به قرآن، نسبت به اسلام، نسبت به آینده‌ی جامعه‌ی جهانی. اینها هدف‌های اصلی است. اینها باید آن شاءالله در شعرهای ما هم بیاید، در خواندن‌ها و مداّحی‌های ما هم بیاید. ● ۹۵/۴/۲۴

کار تشکیلاتی

مجموعه‌ی تشکیلاتی حیاتش به نظارت از بالا است

خاصیت مجموعه‌های انسانی این است. اگر کسی در امور حزبی و تشکیلاتی کار و فعالیت کرده باشد، اینها را خوب می‌داند. بنده چون سال‌های متمادی در تشکیلاتِ دولتی کار کرده‌ام -کار و فعالیت در حزب و نظایر آن، به جای خود محفوظ- می‌دانم که مجموعه‌ی تشکیلاتی، حیاتش به این است که از بالا مرتّب زیر نظر باشد. یعنی یک نفر، دائم به آن تشکیلات نگاه کند. این نگاه، مثل نور چراغ قوّه است و تا زمانی که به یک نقطه افتاده باشد، آن نقطه روشن است. اما به مجرّدی که چراغ قوّه را گرداندید، دیگر آن نقطه روشن نیست. کسی که بالا سر است، باید دائم مجموعه را زیر نظر داشته باشد و با چشم و نگاه اوست که مجموعه جان می‌گیرد. «نگاه» که عرض می‌کنم، نگاه ظاهری نیست؛ مقصود، مدد رساندنِ فرد ناظر و بالاسر است. ● ۷۳/۴/۲۲

۱۱ بهمن: درگذشت سرلشگر سلیمی

نظامیِ متدین و متعهد

این نظامی متدین و متعهد از جمله‌ی معدود یاران ارتشی است که از آغازین هفته‌های پیروزی انقلاب، وسیله‌ی ارتباط فعال ارتش با دستگاه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و عنصر مؤثر در جذب بدنه‌ی متعهد ارتش به خدمات انقلاب بود و در طول ده‌ها سال در مراکز حساس نظامی همچون وزارت دفاع و فرماندهی ارتش و سرپرستی دفتر مشاورت امام در نیروهای مسلح و ریاست ستاد مرکز جنگ‌های نامنظم در سال‌های اول دفاع مقدس، خدمات ارزنده‌ای به جای آورد. ۹۴/۱۱/۱۱

تفسیر قرآن

تلاش دشمن این است که ملّت ایران امیدش را از دست بدهد

امروز بیشترین نقشه‌ی دشمنان، این کارهای عظیم، متّوجه این است که ملّت ایران این اعتماد به نفسی را که دارد از دست بدهد... تلاش مهمّ جنگ نرم دشمن، امروز متوجّه این است که ملّت ایران امیدش را از دست بدهد. از این آیه‌ای که عرض کردیم «الَّذینَ یُبَلِّغونَ رِسالاتِ اللّهِ وَیَخشَونَه وَلا یَخشَونَ أَحَداً إِلَّا اللّه»(۱) معلوم می‌شود که این تبلیغ، دشمن دارد؛ أوقتی [که] می‌فرماید تبلیغ می‌کنند رسالات الهی را، از خدامی ترسند؛ از غیر خدا نمی‌ترسند، پیداست که غیر خدا در مقابل این مبلّغین الهی، مبلّغین رسالات‌الله، صفّ آرایی دارند؛ بحث بر سر دعواست. یا در آن آیه‌ی شریفه‌ی «بَلِّغ ما أُنزِلَ إِلَیكَ مِن رَبِّكَ وَإِن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ وَاللّهُ یَعصِمُكَ مِنَ النّاس»(۲) که اَمی‌فرماید [خدا تو را حفظ می‌کند، نگران نباش، دغدغه نداشته باش از دشمن، پیداست که در مقابل تبلیغ پیغمبر، صف دشمنان است. جبهه‌ی دشمنان است. برادران عزیز، خواهران عزیز! معنای این چیست؟ معنایش این است که شما آن‌وقتی که تبلیغ می‌کنید، تبلیغ اساسی می‌کنید، تبلیغ اسلامی می‌کنید، در مقابل این تبلیغ شما یک جبهه‌ی دشمنی صف‌آرایی می‌کند؛ این را باید بدانید. ● ۹۶/۱۰/۰۶

۱) سوره مبارکه الأحزاب آیه ۳۹
۲) سوره مبارکه المائدة آیه ۶۷

شرح حدیث

اگر کسی از آبروی مؤمنی دفاع کرد، بهشت بر او واجب می‌شود

«مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ»(۱) آبروی مؤمن این‌قدر مهم است که اگر کسی از آبروی مؤمن خود دفاع کند -به‌حسب این روایت [امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)]- بهشت بر او واجب می‌شود. حالا معنای واجب شدن بهشت این نیست که دیگر در هر صورت -هر کار کردیم و هر جور شد- این یک تعهّد الهی است که آدم را به بهشت ببرد؛ نه، همه چیز دست خود ما است... به هر حال آنچه در این روایت مورد توجه است و مورد اهتمام است، آبروی مسلمان است. شایعه درست کردن علیه مسلمان، شایعه را بازگو کردن علیه یک مسلمان، که گاهی یک حرفی علیه کسی زده می‌شود که آبروی او را به خطر می‌اندازد و ما [هم] می‌شنویم آن را - و خب، گاهی خود ما هم ابتدا کننده نیستیم اما همان را نقل می‌کنیم، نقل ما را هم دیگری نقل می‌کند و همین‌طور این شایعه گسترش پیدا می‌کند علیه یک مسلمانی؛ در حالی که بعد معلوم می‌شود که هیچ چیز نبوده یا اگر هم چیزی هم باشد نباید منتشر کرد و نبایستی آبروی یک مسلمانی را در خط انداخت؛ چه برسد به اینکه در موارد متعددی هم خلاف واقع است. ● ۸۳/۱۰/۲۱

۱) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص ۱۴۵.